

بررسی جنبه‌های حقوقی مسئله پناهندگان فلسطینی

مقدمه

وجود میلیون‌ها پناهنده یکی از ویژگی‌های حیات بین‌المللی در قرن حاضر است. پناهندگان یکی از نخستین موضوعات مورد توجه جامعه ملل و سازمان ملل متحد بودند، که با ظهور و تحول خود موضوعی به نام حقوق پناهندگان را به وجود آورده و متحول ساختند. چارچوب‌های بین‌المللی و مدون حقوق پناهندگان در دوران جنگ سرد، که تقریباً بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد، شکل گرفت. کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد وضعیت پناهندگان، اساسنامه کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ نیویورک عمده‌ترین قوانین و مقررات بین‌المللی در خصوص پناهندگان می‌باشد. مطالعات نظری حقوق پناهندگان پس از تصویب پروتکل ۱۹۶۷، اثری از تحول عمده حقوق پناهندگان را نشان نمی‌دهد؛ به همین دلیل گزارش حاضر در صدد است تا با استناد به کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و پروتکل ۱۹۶۷ نیویورک یک مقایسه تطبیقی بین وضعیت حقوقی پناهندگان به طور اعم و وضعیت حقوقی پناهندگان فلسطینی به طور اخص ارائه دهد.

الف. تعریف واژه پناهندگی

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، تعریف جامعی از پناهنده ارائه کرده است. در قسمت ۲ بند الف

ماده اول کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو آمده است: «پناهنده شخصی است که به خاطر ترس موجه از تعقیب و آزار به دلیل نژاد، مذهب و عضویت در گروه اجتماعی یا دارا بودن عقیده سیاسی خاص در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می برد و به علت چنین ترسی نمی تواند یا نمی خواهد تحت حمایت آن کشور قرار گیرد، و یا کسی که فاقد تابعیت است و در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می برد و به دلیل چنین ترسی قادر و مایل به بازگشت به آن کشور نیست.»

آوارگان جنگی یا اشخاصی که ناچارند کشور خود را در نتیجه درگیریهای مسلحانه داخلی یا بین المللی ترک کنند، اصولاً طبق کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ پناهنده محسوب نمی شوند؛ هر چند که اسناد حقوقی بین المللی دیگر مثل کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، برای حمایت از قربانیان جنگ و پروتکل اضافه شده و بر این کنوانسیون در سال ۱۹۷۷ مربوط به حمایت از قربانیان درگیریهای مسلحانه بین المللی از آنها حمایت می کند. گرچه تجاوز یا تصرف همه یا بخشی از سرزمین یک کشور ممکن است به تعقیب و آزار منجر شود، ولی در چنین موردی، اعطای وضعیت پناهندگی بستگی به آن دارد که شخص ترس بنیانی خود را توجیه نماید و یا ثابت کند که نمی تواند از حمایت کشور خود یا هر دولتی که در چنین موقعیتی باید از منافع کشورش حمایت کند، برخوردار شود. در خصوص افراد بدون تابعیت که گاه پناهنده نیز محسوب می شوند، باید گفت که به موجب ماده یک کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، مفاد این کنوانسیون به پناهندگانی که تحت حمایت ارگانها یا آژانسهای سازمان ملل متحد - به غیر از کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان - قرار دارند (تا زمانی که از چنین حمایتی برخوردار هستند یا کمک دریافت می کنند) تسری نمی یابد. بدین ترتیب، پناهندگان فلسطینی که زیرپوشش آژانس کار و کمک برای پناهندگان فلسطینی (آنروا UNRWA) قرار دارند، مشمول این کنوانسیون نمی شوند. سازمان ملل در سال ۱۹۵۰ مسئولیت رتق و فتق امور مربوط به پناهندگان فلسطینی را با تأسیس «آنروا» عهده دار گردید. اولین کاری که آنروا پس از تأسیس خود انجام داد، ایجاد تعریفی برای یک پناهنده فلسطینی واجد شرایط دریافت کمک و تعیین محل اقامت این گروه از پناهندگان بود. آژانس در تعریف خود از پناهنده فلسطینی چنین آورد: «پناهنده شخصی است که دقیقاً فلسطین پیش از ۱۹۴۸ محل اقامت

عادی او برای مدتی بیش از دو سال بوده، و به طور مستمر در آن سکونت داشته و طی منازعه صورت گرفته از موطن خود رانده و محل کسب و درآمد خویش را از دست داده باشد.» هر چند وضعیت پناهندگان فلسطینی با تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو کاملاً مطابق است [زیرا پناهندگان فلسطینی به خاطر ترس از تعقیب و فشار و آزارهای اسرائیل مجبور به فرار از موطن خود گردیدند و به دلیل ترس از اسرائیل و مخالفت این کشور قادر به بازگشت به موطن خود نیستند]، از آنجایی که تحت حمایت آژانس کار و کمک برای پناهندگان فلسطینی (آنروا) قرار دارند، مشمول این تعریف نمی باشند. بر همین اساس، اولین کاری که آنروا پس از تأسیس انجام داد، ارایه کمک و خدمات به پناهندگان فلسطینی بود. اگرچه تلاشهای آنروا برای ارایه کمک و خدمات به پناهندگان شایسته و قابل تقدیر است، اما اگر به تعریف واژه پناهنده فلسطینی براساس تعریف آنروا از دیدگاه حقوقی بنگریم، ملاحظه خواهیم کرد که ارایه چنین تعریفی از پناهندگان فلسطینی تا حدودی غیر منصفانه می باشد؛ زیرا:

۱. براساس تعریف آنروا پناهنده شامل فلسطینی هایی است که دقیقاً فلسطین پیش از ۱۹۴۸ محل اقامت عادی او باشد، در حالی که موج آوارگی، بعد از تأسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ آغاز شد و این روند ادامه داشت و بعد از جنگ ۱۹۶۷ روند فرار فلسطینیان شدت بیشتری به خود گرفت.

۲. اگر تعریف آنروا در مورد پناهندگان فلسطینی را مبنا قرار دهیم، این تعریف مشمول کودکان پناهنده فلسطینی که در خارج از فلسطین متولد شده و زندگی می کنند، نمی شود و آنان حق بازگشت به موطن خود را ندارند. اما اگر کسب تابعیت را براساس تابعیت خود در نظر بگیریم، کودکان فلسطینی در هر جای دنیا که متولد شوند، ملیت فلسطینی خواهند داشت.

ب. اعطای پناهندگی و مسئولیت دولتها

۱. اعطای پناهندگی

حمایت از پناهندگان براساس مفاهیم حقوق بین الملل یک وظیفه انسان دوستانه تلقی می شود. امروزه گرچه کنوانسیونهای بین المللی وظایف و معیارهایی را در زمینه پذیرش و اعطای پناهندگی معین کرده اند، منافع ملی و حاکمیت ملی دولتها در پذیرش پناهندگی

نقش مهم و اساسی ایفا می کنند. اصل حاکمیت دولتها ایجاب می کند که معاهدات بین المللی تنها در صورتی که در هر کشور به تصویب قوه مقننه برسد، به صورت لازم الاجرا در آید. به این ترتیب، به راحتی می توان حدس زد که کشورهای مختلف ممکن است در مقابل معیارهای مشابه و یکسان راههای مختلفی را که هدفهای سیاسی ایجاب می کند، به کار گیرند. در چنین مواردی، ممکن است مردمی با شرایط مساوی با رفتارهای گوناگونی روبه رو شوند؛ یعنی اینکه در یک کشور با استقبال روبه رو شوند ولی در کشور دیگر مورد بی مهری قرار گیرند.

۲. تعهدات دولتها و الزامات بین المللی آنها

مسئولیتهایی که در زمینه حمایت از پناهندگان به صورت ملموس به عهده دولتها گذاشته شده، در قالب کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و پروتکل ۱۹۶۷ شکل پذیرفته است. در ضمن، باید به خاطر داشت که در حقیقت آنچه را که از آن به عنوان تعهدات دولتها یاد می شود، می توان حقوق پناهندگان تصور کرد، و بر عکس. دولتهای متعاهد باید امکاناتی را که در اختیار پناهندگان می گذارند، از تسهیلاتی که در اختیار سایر خارجیان می گذارند کمتر نباشد. دولتها همچنین در مورد تأمین خدمات اجتماعی، قوانین مربوط به کار، کمک اداری، آزادی رفت و آمد، صدور کارت شناسایی و صدور سند مسافرت برای سفر به خارج از کشور تعهداتی نسبت به پناهندگان دارند، که در هر حال کمتر از تعهدات رفتار با سایر خارجیان نخواهد بود. با وجود این، کنوانسیون صدور سند مسافرت به خارج برای پناهنده را در شرایطی که این امر ناقص امنیت ملی کشور پذیرنده باشد، مستثنی کرده است. مهم ترین اصول کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، مربوط به تعهدات دولتها در مورد عدم مجازات ورود غیر قانونی، عدم اخراج و منع پس فرستادن پناهندگان است که در زیر به آنها اشاره می گردد:

به موجب ماده ۳۱ کنوانسیون، دولتهای متعاهد در مورد پناهندگانی که به طور مستقیم از کشورهای زندگی یا جایی که آزادیشان براساس مفهوم ماده یک کنوانسیون در خطر قرار دارد، بدون داشتن اجازه به خاک آنها وارد شده یا در آن حضور می یابند، مجازاتی اعمال نخواهند کرد، به شرط آنکه پناهندگان خود را بدون تأخیر به مقامات ذی ربط معرفی

کنند. براساس بند دوم همین ماده، دولت‌های متعاقد درباره تحرکات این پناهندگان، جز در مواردی که ضروری است و تا زمانی که تعیین وضعیت پناهندگی آنان ادامه خواهد داشت، محدودیتی ایجاد نخواهند کرد.

بر حسب ماده ۳۲ کنوانسیون، دولت‌های متعاقد هیچ پناهنده‌ای را که به طور قانونی در سرزمین آنان به سر می‌برد، جز در موارد نقض امنیت ملی و یا نظم عمومی، اخراج نخواهند کرد. در صورت اخیر، تصمیم مربوط براساس موازین قانونی بوده و پناهنده جز در موارد مربوط به امنیت ملی، حق دارد که دلایل کافی برای روشن شدن مطلب به دادگاه یا مقامات صالحه ارایه کند. به هر حال تا زمان به دست آوردن اجازه ورود به کشور دیگر دولت‌ها موظفند از او نگهداری کنند.

بر حسب ماده ۳۳ کنوانسیون، هیچ دولت متعاهدی نباید شخص پناهنده را به هر صورت به سرزمین‌هایی که زندگی یا آزادی وی به خاطر نژاد، ملیت، عضویت در دسته یا گروه سیاسی یا اجتماعی خاصی در خطر است، بازگرداند و یا اخراج نماید. از آنجایی که مفاد این کنوانسیون و پروتکل مربوطه تنها به کشورهای عضو تسری می‌یابد، مشکل اساسی در زمینه حمایت از پناهندگان این است که کشورهایی که کنوانسیون و پروتکل مزبور را پذیرفته‌اند، تعهد روشن و معینی در قبال آن به عهده نگرفته‌اند و کشورهای عمده پذیرنده پناهنده، این متون حقوقی را به تصویب نرسانده‌اند. هر چند پناهندگان فلسطینی مشمول کنوانسیون ژنو نمی‌باشند، باید این نکته را نیز متذکر گردید که کشورهایی چون سوریه، اردن و لبنان به عنوان بزرگ‌ترین کشورهای پناهنده پذیر فلسطینی، کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و پروتکل ۱۹۶۷ را امضا نکرده‌اند تا در صورت بروز مشکلی و در مواقع لزوم از زیر بار چنین تعهداتی شانه خالی کنند.

ج. حمایت بین‌المللی از پناهندگان

منشور ملل متحد، هدف اصلی بنیان آن را حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و دفع هرگونه خطر برای آن ذکر می‌کند. فزونی روز افزون جمعیت پناهنده در همان ابتدای تأسیس سازمان ملل متحد نوعی خطر بالقوه برای صلح محسوب می‌گردید. از این جهت مجمع

عمومی سازمان ملل متحد در اولین اجلاس خود در فوریه ۱۹۴۶ قطعنامه‌ای را صادر کرد که بر اساس آن شورای اقتصادی و اجتماعی کمیته مجمع عمومی در دومین اجلاس خود در نیمه دوم ۱۹۴۶ سازمان بین‌المللی پناهندگان (IRO) را به وجود آورد. از اقدامات دیگر سازمان ملل در رابطه با تأمین حقوق پناهندگان می‌توان به تأسیس کمیساریای ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR) اشاره کرد که شایسته است توضیحات بیشتری در رابطه با آن داده شود.

۱. کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان

در سال ۱۹۴۹ پس از آنکه مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم گرفت مسئله حمایت از پناهندگان را رأساً در اختیار بگیرد، اندیشه ایجاد کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان شکل گرفت و مجمع در سال ۱۹۵۰ طی قطعنامه شماره (۷) ۴۲۸، اساسنامه کمیساریای عالی را به تصویب رسانید. کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان از سال ۱۹۵۱ کار خود را آغاز کرد، که به موجب مفاد قطعنامه شماره (۱۷) ۳۱۹ مورخ سوم دسامبر ۱۹۴۹ وظایف آن به شرح ذیل می‌باشد:

۱. تهیه و تصویب کنوانسیونهای بین‌المللی برای حمایت از پناهندگان را دنبال کرده و ضمن نظارت بر اجرای آنها تغییرات لازم را در آنها پیشنهاد نماید؛
۲. از طریق قراردادهای ویژه‌ای که با دولتها منعقد می‌کند، کلیه راههای مربوط به بهبود وضع پناهندگان را بررسی و از این راه در کاهش تعداد کسانی که به حمایت نیاز دارند، کوشش کند؛

۳. از ابتکارهای خصوصی و عمومی مربوطه به بازگشت آزادانه پناهندگان و یا جذب آنها در جوامع جدید پذیرنده پناهنده حمایت نماید؛

۴. همکاری با سازمانهای داوطلب را برای کمک به پناهندگان هماهنگ و تسهیل کند. بر همین اساس در اولین پاراگراف اساسنامه کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان، حمایت از پناهندگان و یافتن راه‌حلهای پایدار جزو وظایف اساسی کمیساریا درآمد. در اجرای وظیفه اول، یعنی حمایت از پناهنده، کمیساریا باید ضوابط بین‌المللی در

زمینه اشتغال، آموزش، اقامت، و آزادی رفت و آمد را تعیین و اجرای آنها را مراقبت کند، به نحوی که پناهنده در معرض خطر قرار نگیرد. در اجرای وظیفه دوم، از آنجا که اصولاً بازگشت داوطلبانه پناهندگان به وطن خودشان پایدارترین راه حل محسوب می شود، کمیساریا باید در پی یافتن این راه باشد و چنانچه این هدف تحقق نیابد، کمک کردن به دولتهای پذیرنده پناهندگان برای اسکان آنها و نیز کمک به خودکفایی این جمعیت از جمله راههای پایدار به حساب می آید. کمیساریا همچنین نقش اصلی در هماهنگ کردن کمکهای بین المللی به پناهندگان را بر عهده دارد و در این راه از کمک سایر آژانسهای تخصصی ملل متحد سازمانهای بین المللی دولتی و غیر دولتی و آژانسهای خصوصی برخوردار شوند. اما چه اشخاصی مورد نظر کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان هستند؟ اساسنامه کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان تأکید دارد که «کار کمیساریای عالی، ماهیت کاملاً غیرسیاسی دارد، انسان دوستانه و اجتماعی است و اصولاً به گروهها و دستجات پناهنده ارتباط دارد.» بنابراین، می توان پذیرفت که طبیعت جهانی کار کمیساریای ملل متحد برای پناهندگان، ایجاب می کند که این ارگان در هر جا مسئول کمک به هر پناهنده باشد. با وجود این، همان گونه که قبلاً نیز ذکر شد، پناهندگان فلسطینی از این مقوله جدا هستند و تحت پوشش آژانس کار و کمک برای پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک (UNRWA) قرار دارند.

۲. آژانس کار و کمک برای پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک (آنروا)

آنروا در سال ۱۹۴۹ به دنبال تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای کمک به آوارگان فلسطینی که در اثر تجاوزهای دولت تازه تأسیس اسرائیل خانه و کاشانه خود را از دست داده بودند، به وجود آمد. این آژانس ابتدا به منظور بازگرداندن آوارگان و پرداخت غرامت به آنان تشکیل شده بود، ولی ابعاد گسترده تجاوزات رژیم صهیونیستی روز به روز بر تعداد آوارگان افزود. فعالیتهای آنروا و کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان، عموماً از یک نوع است و تأمین مالی برنامه های آنها نیز به یک شکل صورت می گیرد. آژانس کار و کمک به فلسطینی های پناهنده در اردن، لبنان، سوریه، اراضی اشغالی غرب رود اردن و نوار غزه، کمکهای غذایی، بهداشتی و آموزشی ارائه می دهد. همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد،

آوارگان فلسطینی به دلیل آنکه قبل از تأسیس کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان تحت پوشش یک ارگان سازمان ملل متحد بودند، از محدوده فعالیت‌های این کمیساریا خارج شدند. براساس گزارش «آنرواه» در سال ۲۰۰۰ بیش از ۳,۷۰۰ میلیون پناهنده فلسطینی در دفاتر این آژانس ثبت نام شده‌اند.

د. مسایل حقوقی پناهندگان

پناهندگی یک پدیده متعارض است. این تعارضات جدا از اینکه مربوط به ماهیت مسئله می‌باشد و یا در جریان عمل پیش بیاید، موجد مشکلاتی است که حل آنها نه تنها احتیاج به اقدامات هماهنگ بین المللی دارد، بلکه اساساً به مباحث نظری از جمله جنبه‌های مختلف حقوق بین الملل، حقوق بشر دوستانه و توانایی جامعه بین المللی در عینیت بخشیدن به این اصول مربوط می‌گردد. بدین ترتیب می‌توان چنین پنداشت که، با وجود مشکل عدم تفاهم بین المللی در مسایل مربوط به پناهندگی و تعارض منافع ملی کشورها با یکدیگر، فرار یک پناهنده از کشور اصل خود، تنها ابتدای راهی است که پایان آن تا حد زیادی ناشناخته است.

۱. کودکان پناهنده

واژه پناهنده شامل کلیه افرادی است که در حیطه عمل کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان قرار دارند، اعم از اینکه پناهنده یا آواره باشند. اما واژه «کودک» براساس ماده اول کنوانسیون حقوق کودک به کسانی اطلاق می‌شود که کمتر از ۱۸ سال دارند، مگر اینکه برحسب قانون ملی یک کشور سن بلوغ کمتر از آن تعیین شده باشد. بنابراین آنچه که در مورد حقوق کودکان پناهنده باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که این دسته از افراد هم به جهت کودک بودن و هم به جهت پناهنده بودن از حقوق خاصی برخوردارند. پس از این تعریف، باید دانست که حدود نیمی از کل پناهندگان یعنی حدود شش میلیون نفر را کودکان یا افراد زیر ۱۸ سال تشکیل می‌دهند. نسبت بالای کودکان در بین پناهندگان، هم منعکس کننده الگوهای جمعیتی جهان سوم است و هم شرایطی را که این عده مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند، مشخص می‌سازد. در مواردی که پناهندگی ناشی از جنگ است، معمولاً

کودکان هستند که موفق به فرار می شوند؛ زیرا بزرگترها یا دستگیر یا کشته می شوند و برای جنگیدن می ایستند. اما چگونه وضعیت پناهندگی یک کودک مشخص می شود؟ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و پروتکل ۱۹۶۷، در رابطه با تعریف پناهنده اشاره خاصی به سن پناهنده ندارد که بتوان با تکیه بر آن یک کودک پناهنده را شناسایی کرد. البته مسئله ترس واقعی از تعقیب و آزار، هنگامی که کودک همراه پدر و مادر خود باشد، مشکلی ایجاد نمی کند، ولی تعیین وضعیت آن دسته از کودکانی که در معیت والدین نیستند، به وضوح دشوار است. زیرا کودکان پناهنده اغلب به آن حد از بلوغ فکری نرسیده اند که بتوانند ترس و فرار خود را به نحوی که موجه جلوه کند، بیان نمایند. از این جهت اغلب پیشنهاد می شود که کشورهای اعطا کننده پناهندگی به عنصر عینی قضیه پناهندگی، یعنی اوضاع کشور اصلی شخص پناهنده اهمیت بیشتری بدهند. بر اساس سیاست کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان، وقتی که سرپرست یک خانواده مشمول پناهندگی می شود، کودکان وی نیز این وضعیت را کسب می کنند. تصمیم شماره ۴۷، سال ۱۹۸۷ کمیته اجرایی کمیساریا، ضمن آنکه توصیه های اساسی و متعددی در زمینه حمایت از کودکان پناهنده به عمل می آورد، پیشنهاد می کند که چنانچه پدر و مادر یک کودک پناهنده شناخته شوند، این پناهندگی به کودک همراه آنان نیز تسری می یابد.

۲. زنان پناهنده

زنان پناهنده از جمله گروههایی هستند که به خاطر تعداد فراوان آنها باید مورد توجه قرار گیرند. زنان بیش از نیمی از پناهندگان را تشکیل می دهند. آنها که به علت جنگ و تعقیب و شرایط بد زندگی در کشورهای همسایه پناه می گیرند، با تغییرات عیدیه ای در زمینه وضعیت خود به عنوان رئیس خانواده روبه رو می شوند. این دگرگونیها نه تنها موجب بروز مشکلات روانی برای پناهندگان می شود، بلکه موجودیت خانواده آنان را نیز در معرض تهدید قرار می دهد. زنان پناهنده اغلب در معرض آسیبهای فراوان قرار دارند و از بد رفتاری سوء استفاده های بدنی و تبعیض که نسبت به آنان اعمال می شود، رنج می برند. به علاوه، زندگی زنان پناهنده در محلهای دسته جمعی، قوانین قومی و اخلاقی آنان را خدشه دار

می‌سازد. گرچه کمیته اجرایی کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان اغلب در تصمیم‌های خود در مورد حمایت از پناهندگان به اقدامات ویژه در زمینه حمایت از زنان پناهنده اشاره می‌کند، به نظر می‌رسد که برداشت سنتی از «حمایت» که توسط جامعه بین‌المللی پذیرفته شده است، نیاز به تعریف مجددی در چارچوب تجربه مربوط به زنان دارد. یکی از راه‌های اساسی برای حل مشکلات زنان پناهنده تأمین معیشت آنان است و این امر از طریق آموزش و شرکت دادن آنان در فعالیتهای اقتصادی میسر خواهد بود.

۳. حمله نظامی و مسلحانه به اردوگاههای پناهندگان

حمله به اردوگاههای پناهندگان و آوارگان از جمله تراژدیهای است که با آنکه توجه جهان را به نحو وسیعی به خود معطوف ساخته، نتوانسته است پاسخ مناسبی دریافت کند. آوارگانی که در کشورهای همسایه به صورت گروهی پناهندگی گزیده‌اند، همواره در معرض این خطر هستند که توسط نیروهای نظامی کشور خودشان و یا مزدوران مسلح آنها مورد حمله قرار گیرند. این حملات معمولاً علیه آوارگان کشورهای بی‌عمل می‌آید که گرفتار جنگهای داخلی هستند و یا نیروهای آزادی‌بخش با استعمارگران می‌جنگند. ساکنان این اردوگاهها را که اغلب در نزدیکی مرزها واقع است، زنان و کودکان تشکیل می‌دهند، و بدین جهت حملات نظامی به اردوگاهها همواره تلفات سنگین انسانی داشته است. نمونه بارز این مشکل، حملات اسرائیل به اردوگاههای پناهندگان فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه می‌باشد. رژیم صهیونیستی به بهانه اینکه اردوگاههای آوارگان صرفاً محل اسکان آوارگان نیست و در آنها فعالیتهای خراب‌کارانه علیه این رژیم صورت می‌گیرد، اردوگاهها را مورد حملات نظامی خود قرار می‌دهد. این حملات با آغاز انتفاضه الاقصی شدت بیشتری به خود گرفته است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ در اجلاس سی و نهم قطعنامه ۳۹/۱۴۰ این مشکل را مورد توجه قرار داد، و در بند سوم این قطعنامه، با اشاره به کثرت قربانیان و خسارتهای مالی فراوان این حملات از دولتهای عضو می‌خواهد که در این زمینه به توافقیهای اصولی دست یابند. متأسفانه به علت تعارض دیدگاههای دولتهای ذی‌نفع در این قضیه و این حقیقت که پذیرش پناهندگان یک کشور توسط دیگران معمولاً یک عمل خصمانه

نسبت به کشور اصلی پناهندگان تلقی می‌گردد، دولتها اغلب حمله به کمپهای آوارگان را دفاع از خود تلقی می‌کنند. تاکنون در مورد تهیه پیش نویس اصول مورد توافق نتیجه مطلوب به دست نیامده است و تصمیم ۳۲ کمیته اجرایی کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان به این نکته اذعان دارد.

نتیجه گیری

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد وضعیت پناهندگان را بدون تردید می‌توان اصلی ترین منبع حقوقی پناهندگان در چارچوب حقوق بین الملل دانست. اهمیت این کنوانسیون به حدی است که «جمزید» آن را به منزله منشور پناهندگان^(۱) می‌داند. این کنوانسیون به رغم محدودیتهای زمانی و جغرافیایی خود، به صورت جهانی و بین المللی درآمد و هر چند بخشهایی از آن کاملاً تحت شرایط دوران پس از جنگ قرار دارد، همچنان به صورت یکی از معتبرترین ضوابط بین المللی مربوط به پناهندگان باقی مانده است. در مورد پروتکل ۱۹۶۷ باید گفت که این پروتکل علاوه بر حذف محدودیتهای زمانی، مفاد کنوانسیون ۱۹۵۱ را نیز دربر می‌گیرد. اما پروتکل مذکور یک معاهده حقوقی مستقل به شمار رفته و پیوستن به آن لزوماً به معنی پیوستن به کنوانسیون نمی‌باشد. پروتکل ۱۹۶۷ همچنین بر مفاد بندهای ۳۵ و ۳۶ کنوانسیون ۱۹۵۱ در مورد همکاری مقامات ملی با ملل متحد و اطلاعات مربوط به قوانین و آیین نامه های داخلی تأکید مجدد دارد.

دو سند مذکور، از معتبرترین ضوابط بین المللی مربوط به پناهندگان می‌باشد که می‌تواند نقطه شروع خوبی برای گسترش حقوق انسان دوستانه در میان ملل باشد. به طوری که در حال حاضر ۱۴۰ کشور، کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ را امضا کرده اند، که از این جهت مایه دلگرمی بشر دوستان بوده است. گسترش و تعمیم ضوابط بین المللی حمایت از آوارگان و پناهندگان گرچه همواره یک اصل معتبر بین المللی قلمداد می‌گردد، بسیاری از دولتها نیز در متعهد ساختن خود به این ضوابط همیشه تردید داشته اند. علاوه بر این، بسیاری

از موضوعهای حساس پناهندگی در کنوانسیون و پروتکل یاد شده مطرح نگردیده و در بسیاری از موارد، ابهامهای عمدی و یا غیر عمدی وجود دارد که تعابیر مختلفی را طلب می کند. باید اذعان کرد که تفسیرپذیری اصول و سایر پیچ و خمهای قانونی مترتب بر آن، به ضرر پناهندگان می باشد. قدرت دولتها به عنوان تنها تعیین کننده وضعیت پناهندگی عامل عمده ای در نزول ضوابط حمایت از پناهندگان است. در حالی که تعریف واژه پناهنده تقریباً جامع است، دولتها تمایل دارند معیارها را به نفع خود و به صورت محدود تفسیر کنند. بسیاری از دولتها از ابهامهای موجود در تعریف واژه پناهنده، برای محدود کردن تعداد و نوع مهاجرانی که می پذیرند، سود جسته اند. در پاره ای موارد حتی دولتها از این ابهام استفاده های معکوس کرده اند، بدین ترتیب که برای جلب کمکهای بیشتر بین المللی و تبلیغات سیاسی، بسیاری از مهاجرانی را که در زمره پناهندگان نمی گنجد به این دسته افزوده اند.

واقعیت دیگر این است که کشورهای توسعه یافته، به دلایل گوناگون ترجیح می دهند که جمعیت آواره جهان، که از کشورهای در حال توسعه یا عقب مانده سرچشمه می گیرند، در نخستین کشورهای پذیرنده که به طور عمده کشورهای همسایه هستند، اسکان داده شوند، و در نتیجه از بروز بسیاری از مشکلات اجتماعی در جوامع خود جلوگیری می کنند. آنها مایلند که تنها با پرداخت کمک به آژانسهای بین المللی مسئول رسیدگی به امور پناهندگان حس انسان دوستی خود را ارضا کنند. این کشورها می کوشند آن دسته از پناهندگانی را که دارای تحصیلات و تخصص کافی هستند و می توانند در جوامع صنعتی جذب بازار کار شوند، بپذیرند. تمام مواردی که شرح آن گذشت، در مورد پناهندگان فلسطینی مصداق پیدا می کند؛ چرا که پناهندگان فلسطینی به عنوان بزرگ ترین جمعیت پناهنده در سراسر دنیا از معضلات و مشکلاتی که یک آواره گریبانگیر آن است، در امان نیستند و تاریخ قرن بیستم این موضوع را که پناهندگان فلسطینی «گروگان تاریخ، سیاست و فقر» بوده و هستند، کاملاً ثابت می کند. بر همین اساس لازم است تا کلیه دولتها، سازمانها، گروهها و افراد مدافع حقوق بشر، اقداماتی اساسی و عملی برای حل معضل کلیه پناهندگان جهان به ویژه پناهندگان فلسطینی که در حال حاضر مشکلات آنها با آغاز انتفاضه الاقصی دوچندان شده است، به عمل آورند.